

مدیر کل

جلال‌الدین الحسینی مؤید الاسلام
 صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
 و یومیه (جلال‌التین)
 (عنوان مراسلات)
 طهران خیابان لاله زار
 نایب مدیر میرزا سید حسن کاشانی
 غیر از روزهای جمعه همه روزه
 طبع و توزیع میشود

یومیه

جَلالِ التین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۴۰ قران
 سایر بلاد داخله ۴۵ قران
 روسیه و قفقاز ۱۰ منات
 سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک

(قیمت يك نسخه)

دو طهران يك عدد بنابر

سایر بلاد ایران سه شاهی است

اعلان سطرى دو قران است

(روزنامه یومیه من آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه)
 (بامضا قبول و درانتشارش اداره آزاد است و مطلقا مسترد نمی شود)

سه شنبه ۷ صفر ۱۳۲۶ هجری قمری و ۲۵ اسفند ماه جلالی ۱۲۹۹ و ۱۰ مارس ۱۹۰۸ میلادی

بصوه عذاب گرفتار خواهند ساخت

درینوقع چیزی که مسلم و مبرهن و بر همه کس واضح و روشن است سبجایی مرضیه و اخلاق حسنه این وجود شریف است که در هیچ صورت محل تردید و انکار نیست و بلاشک اگر خدای نخواست بر خلاف انتظار در زمان ایشان بوی اختلاف و انقلابی در کیلان استشمام شود هیچکس از عدم کیفیت و قصور ایشان در کارها تصور نخواهد کرد بلکه بکنی خط و خلاف و تقصیر را بدون هیچ تردیدی محل بر خود سری و عنکامه طلعی مغرضین آنها خواهند نمود و دلیل بزرگی بر این بی‌بشתי و نادانی اهالی خواهند دانست باری بالفعل اداره جبل‌التین تیریکات لایقه خود را خدمت آنجناب با نهایت احترام و تحلیل تقدیم داشته از صمیم قلب تمنا و رجا مینماید که خداوند متعال بر توفیقات ایشان بیفزاید و ایشان را بطوریکه میدانیم آرزومند اصلاحات هستند موفق و منصور فرماید و پیش از وقت نظر بمسلك و رویه خویش که صلاح اندیشی صرف است یاد آوری نموده خاطر مبارکشان را بجناب انقلابات طوالش و کر کارورد و اتزلی معطوف و جلب مینمائیم که نظر باعمیت موقع و محل لازمه دقت و توجه را در اصلاحات آنها بفرمایند امروز عوام مملکت هیچطور نکات سیاسی و دقایق پلتیکی که در انجمنورد بایستی منظور شود نمیدانند و عیب آن بیچاره‌ها نیست که نمیدانند زیرا که بزرگان ایشان نخواستند و نکذاشتند که بدانند و ملتفت شوند و اینک ضرر این بسوه تدبیر بخودشان برکشته و خود کرده را خود باید تدبیر کنند بائتل آنکه از سوابق رفتار و کردار عمید السلطنه سردار امجد در طوالش خمه و کر کارورد مسبوق باشند و فرعونیت و تنمر او را در انصافات بدانند که چگونه مردم

(دارالمرزوا بشارت)

که بحسن انتخاب بندگان اعلی حضرت اقدس عمایون جناب ظهیرالدوله بحکومه و سرپرستی انامان منتخب و حسب المقرر مامور گردیدند این وجود شریف از سالهای دراز محل انتظار و مضمح توجه عموم خاصه جبل‌التین بوده چنانچه اوراق جریده کلکته و طهران در اینمدا کرام صادق سبک و رویه ایشان در حکومت همیشه برخلاف سبک و رویه سایر حکام بوده و آنچه که دیگران را بجزور و اعتساف ستوده اند از این وجود محترم همرا رعایت حق و انصاف بوده آری فرق است فیما بین آنکه خاق را برای خدمه خود بداند تا آنکه خود را برای خدمه خلق حکومت ایشان در همدان و کرمانشاهان معروف علمی است که در شهری مثل همدان که هیچوقت نسیمی از حقوق و مساوات در انقضا نوزیده بود و همواره ضعف مقهور اقویا و اقویا غالب بر ضعف بودند بیک اشاره و ارشاد ایشان چنان شد که تادر آن بلد بودند هیچ ضعیفی تحمل جور ظالمی نمیکرد و هیچ ظالمی جرئت بروز مکتونات خاطر خود نداشت و آنچه مقصود مقدس در اینجا حاصل نشد جز ازین راه که اهالی ساده باو امر حقه ایشان که دایر بر صلاح خودشان بود تمکین صرف بودند و غرض ایشان نسبت باهالی خیر محض و اینک در نیت و غرض ایشان هیچ شبهه نداریم که همان خیر محض و محض خیر است ولی در اخلاق و احوال بعضی اهالی کیلان مردم و مشکوکیم که آیا سرهای خود غرض فتنه جو در میان ایشان باسم مشروطه طلعی می‌جنبید و عوام ساده دل را می‌فریبند یا نه ، و آیا قدر این نعمت که در همچو روز رستاخیزی ایشان ارزانی گردیده خواهند دانست و بیامانند قوم اولین کفران و رزیده خود را

کار گذارند و انطوریکه برای دیگران پیش آمد برای ایشان هم پیش آید

((خلاصه مذاکرات در الشوری یکشنبه ۵ صفر))

امروز مجلس بنا بر قرار داد سابق که روزهای

یکشنبه مخصوص پوکلا باید باشد در اول سری بود و بر

حسب مذاکرات دیروز که هیئت کابینه را احضار کرده

بودند حاضر شده اظهار مقصود که توضیح در اقدامات

از دستگیری و مجازات مرتکبین بوده شد وزیر جنک

اظهار داشتند که آنچه لازم بود در این مدت اقدامات

شده و صورت استنطاقات در نظمی موجود است مختصراً

اینکه معلوم شد این اشخاص شش نفر بودند اسامی و شکل

آنها هم در نظمی هست و اینها از اهل کنی و شبتر

آذر بایمانند و سابقاً در سر راه سازی که روسها میساختند

کار میکردند این اشخاص در خیابان چراغ کاز منزل داشتند

آن خانه را تنگ دیده چند نفرشان آمدند پهلوی تخت

بر برها خانه گرفتند که آن روز را از هانجا نارنجک انداخته

بودند و از روز جمعه که رفتند دیگر نیامدند و اسباب و علائم

هم که دلیل و راه نما بوده بعد از چند روزی که برای

تفتیش در آن خانه رفتند پیدا کردند و از قراین حاضره

معلوم بود که بعجله فرار کرده بودند ولی هنوز بدست

نیامدند سوار هم باطراف و بین راهها فرستاده شد

و تلگراف هم بجه جا شده که از علائم آنها را دستگیر

نمایند و از طرف وزرا و حکومت و نظمی کواتمی

نشده است و کلاً تا کیدات و اصرارات زیاد در دستگیری

مرتکبین نمودند وزرا هم نهایت اهتمام و اقدامات خود را

و عده دادند مذاکرات زیاد شد اظهار شد اگر مجلس اطمینان

بهیئت کابینه دارد رأی گرفته شود تا معلوم گردد گفته شد مجلس

اظهار عدم اطمینان نکند فقط تا کیداست که در این امر مهمه

مسامحه و غفلت نشود گفته شد که این چهار نفر که گرفتند

چه معلوم شد جواب داده شد که از استنطاق اینها با آنچه

که از همسایه شان تحقیق شد مخالفت معلوم شده اینها مدعی

بودند که روز جمعه ما حضرت عبدالعظیم بودیم همسایه

میکویند که در خانه بودند اینست که هنوز در نظمی هستند

مذاکره در علی و مخفی بودن استنطاق شد جمعی گفتند

باید علی باشد جمعی سری بودن از اصلاح دانستند گفته شد

در مقدمات که هنوز تفحص و تفتیش است و شخص

معین نشد باید سری باشد اما در استنطاق علی خواهد شد

در ضمن مذاکرات صحیحی از ضرورت به پول شد گفته شد

که وزرا مقدار احتیاج و مصارف آنرا معین کرده پیشنهاد

مجلس کنند مجلس اظهار تمهله میکند اگر دارند بدهند

و اگر ندارند راه دیگر فکر میکنند

مذاکره در امنیت ولایات و وصول مالیات شد

بجاره و حقوق آنها را بایمال اغراض و شهوات خود مبرده

حتی معاملات همین اواخر اولاد و احفادشان را نسبت باهالی

بیاد آورد بلا تامل تصدیق میکند که آنچه اهالی نسبت

باملاء و مختصات ایشان کردند حق داشتند و در حقیقت دست

انتقامی بود که از آستین غیب بدر آمده و اینروزها بلوریکه

در وزارت داخله شنیده شد مقرر است که ایشان را جناب

ظهیر الدوله در معیت خود برده مفسد انجبارا بمساعت

ایشان اصلاح نمایند — معلوم است وزارت داخله اطراف

کار را سنجیده و اینطور امری صادر فرموده ولی ما را

عقیده دیگری است که ورود ایشان برشت خاصه در معیت

حضرت معظم گذشته از اینکه حسن ظن مردم را نسبت

بایشان آلوده خواهد ساخت اسباب عدم پیشرفت مقصود هم

خواهد شد و آن اصلاحات دوستانه که رای صواب نمای

این حکمران عادل در نظر دارد مانع خواهد شد — بلا

شک هیچکس را نمیرسد که امروز کسی را از حقوق مشروعه

خویش بازدارد و حقوق مالکیت و علاقه کسی را از وی

مسلوب کند ، طولانی و کراک ترود در حکم خانه شخصی

سردار امجد است و البته باید بخانه خود عودت نموده حفظ

منافع شخصی را بنماید لیکن بطور عقل و صلاح نه از روی

کینه و عناد که دامنی است بر آتش افروخته و ضریبی است

بر بسمل نیم جان — پس بعقیده صالح بهتر آن است

که بدوا حکمران معظم بکلی این دو نقطه مهمه را از مأمورین

و نمایندگان سردار منصور و سردار امجد تخلیه کند و خود

مأمورین امین خلیق دانشمند بر اتزلی و طولانی بکارد و

دفع اشراق و قلع ماده فساد و تدارک خسارات این دو را

بنماید که با نهایت ملایمت و مهربانی مردم ریمده دل و باحال

آرامی باز آرد و تغییر اوضاع را باهالی بفهماند که اگر روزی

اقتضا میکرد این رؤسا جان شما را بایشه برارند و خون شما

را در شیشه کنند برای آن بود که جان ایشان هم در قبضه

اقدار ملك الموتی مانند رؤسا و صدور سابقه بود

که تحمیلات صد هزار تومانی بر آنها میکردند

ولی امروز که با امر و فرمان شاهنشاهی زنجیر عدل آویخته

رشته مساوات بواسطه مجلس مقدس من و مشروطیت سلطه

مسلل گشته و حقوق شخصی مشخص شده بلاشک ایندو

سر دار هم ساکنین محال خویش که دست های رنج

بر ایشانند چون اولاد خود خواهند دانست و حز برفق

و مدارا با آنان سلوک نخواهند کرد شاید باین ترتیب اوضاع

منقلب آن صفحات رو به آرامی گذارد و ایندو نفر بتوانند

بعدها با کمال امنیت و آرامی بمحقوق خود نایل شده

انانرا از دست رنج رعایای خود قایده حاصل و دوله ترا

از وجود ایشان بهره عاید گردد نه اینکه بز رویه قدم در

بایانه
۴ قران
۴۵ قران
۱۰ منات
۳۰ فرانک
بیستار
همی است
زانت



کس واضح
بن وجود
کار نیست
در زمان
دهیچکس
خواهد کرد
تر دیدی
خواهند
دانت
را خدمت
ممیم قلب
بیغزاید
موفق
خویش
ده خاطر
د واتزلی
مل لازمه
وز عوام
دوایمورد
نیست که
اشند که
نخودشان
ند بلتل
ه سردار
باشد و
نه مردم

گفته شد اقدامات شده و میشود

از شرارت شیخ محمود و اغتشاش و رامن سوال شد که چه اقدامی شد گفته شد که بقدر القوه با اطلاع آقای آقا سید عبدالله اقدامات شده گفته شد اینها فایده ندارد باید جدا وزارت داخله رفع اشرار را بنماید و شیخ محمود را بخواهد بیاورد

سوال از رفع اغتشاش فارسی شد گفته شد که تلکرافات لازمه از طرف اعلیحضرت و وزارت داخله در تأمین انجا و دستگیری مفسدین شده

در خصوص اظهار مسلک هیئت کابینه سوال شد گفته شد که اظهار مسلک در مطالب مخفی و مسائل عالی است که تمام نواقص مملکت تکمیل شد باشد ولی امروزه در این مملکت مسلک و زرا چیز تنظیم بلاد و انتظام امور مملکت و از دیاد ثروت و اسباب رفاهیت عامه و از یاد دوستی و رابطه با دول متجا به چیز دیگر نیست و این مسئله محتاج بیان نمی باشد (مجلس ختم شد)

(برش زندانیان گناه ندارد)

پس از تبدیل سلطنت مستبده ایران بشروطیه و کلاء مآه و عقلاء مملکت برای سد مخاطرات و دفع مضرات و سعادت آتی مآه بخت بر کشته ایران قوانین اساسیه مرتب نموده بعد از کشمکش بسیار و زحمات بی شمار بصحة اعلیحضرت همیونی رسانیدند ولی افسوس که ما مآه در عوض اینکه مواد این نامه مقدسه و سند شرافت را ضبط خاطر ها نموده و با چشمهای کشاده ناظر و حافظ آن باشیم و بمجردیکه فی الجمله خلاف قانونی واقع شد با تمام قوای خود جنو گیری نمایم گویا بکلی از قانون اساسی فراموش نموده یا مقررات عالی را از قبیل بند و نصایح گلستان شیخ سعدی فرض کرده در طاق نسیان نهاده ایم و هر خلاف قانونی که واقع می شود ابتدا بروی بزرگواری خودمان نمی آوریم و کلاء عظام و رئیس محترم مجلس مقدس شورای من که از کثرت کار وقت و فرصت مطالعه قانون اساسی را ندارند ولی ای انجمنهای من که سپر بلبات و محور مشروطیه ایران هستید شما را چه شده است که از قوانین اساسیه فراموش کرده اید مگر نه شما بودید که برای ا کمال و اتمام همین قانون اساسی فریاد ها کردید و در بهارستان تحمسن اختیار نموده رنجها و مشقبا کشیدید آیا بر شما نیست که حافظ و ناظر آن باشید و نمی برسید که واقعا دولت ما در عداد دول مشروطه و دارای کنستیتو سیونل است پس چرا هنوز قوانین منحومه دوره استبداد معمول است و بکدام جرئت مثل دوره بربریت و توحش بمحض اینکه بهانه بدستشان می آید بجان خلق می افتند و بر خلاف قانون شب بتمزل مردم

می ریزند اسباب تزلزل و اضطراب جمعی می شوند بر خلاف قانون می برند در همان محبس های تنگ و تاریک یادگار عهد هلا کو و چنکیز حبس و زنجیر می کنند بخاطر دارم شش هفت سال قبل در خراسان شب خانه را دزد زده بود و یک تایی کیوه از سارقین جا مانده بود نایب یوسف خان بیکر یکی تا مدتی آن کیوه را دست آویز خود کرده با هر کس که فی الجمله عرض داشت می فرستاد او را می آوردند می گفت با ترا بکن توی این کیوه خلاصه قریب شش هفت هزار تومان از این کیوه فایده برد و دزد هم دستگیر نشد کمان می کردیم آفتاب مشروطیه که طالع شد این ترتیبات از بین رفت ولی بد بختانه می بینم خیرا که هم حرکتی کرده ایم حرکت قهقرائی بوده است مگر نه در قانون اساسی مصرح است که هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد مگر بحکم کتبی رئیس محکمه عدلیه بر طبق قانون حالا به بینیم این اشخاصی را که برای این قضیه ها تله... مرارت انداخته و باین اتهام دستگیر کرده و می کنند عدلیه ما اطلاع دارد ؟

آیا تا کنون آنها را برای استنطاق عدلیه آورده اند!!! مگر نه این است که در مملکت قانونی بمجرد ظن و گمان کسی را نباید حبس و زنجیر و اذیت کرد و در دولت مشروطه متهم را پیش از ۲۴ ساعت حق استنطاق و تکه داشتن ندارند حالا واقعا اگر این اشخاص مرتکب این عمل شذیع بوده اند چرا در وزارت عدلیه تقصیر آنها را معلوم نمی کنند و بمجازات نمی رسانند چرا نباید نمایندگان ملت در موقع استنطاق آنها حاضر باشند و در صورتیکه بی تقصیرند اداره نظمی موافق کدام قانون آنها را در حبس نگاه داشته و این بدیهی است که اعلیحضرت اقدس همیونی خاطر ملوکانه اش از این ترتیبات مستحضر نیست و اذ هر کر رضا نخواهد داد که نقض قوانین اساسیه را که ذات اقدسش را حافظ آن قرار داده بعمل آید (قوم السلطنه خراسانی)

وقایع شهری

در شب جمعه سیم صفر ساعت هفت از شب رفته رئیس نظمی با جمعی قریب پنجاه شخص نغز از زاندارم و سرباز ترک و فارس با تفنگ و اسلحه بشکلی در نهایت موحشی و هیبتی مهیب محض یک خیالی احتمالی در محله قنات آباد میرزید در خانه میرزا حسن چاشنی ساز پسر میرزا حبیب سمسار میرزا حسن را در کمال سختی و شدت گرفته و پدرش را کتک و اقوی اجزاء نظمی می زنند اهل و عیال و زن و بچه در کمال وحشت و اضطراب که خدایا این بلای ناکهائی از کجاست برای چیست که در این نصف شب اطراف خانه ما را از بایشین و پشت بام احاطه کرده و در بام را شکسته و اینگونه بختانه ما هجوم آورده اند فریاد غوغا

و تعدی نایب حسین پشت مشهدی و اتباعش بواسطه کشته شدن جمعی مسلمین و بر ملا دست بناموس ملة دراز کردن و زنهارا کشیدن و فحش و هتک احترام نسبت بمحضرات ائمه بل خدا و رسول و صدیقه طاهره گفتن و شب و روز سرقه کردن يك کروور مال مردم را بردن یکبارہ بهیجان آمده ماها خدام شرع هم بر حسب تکلیف شرعی حکم بمحاروب و مفسد بودن و وجوب دفع و قتل آنها نمودیم ولی ملة کاشان مسلمان هستند شرایع اسلام را فراموش نکرده چکار بزن و بچه دارند آنها را همه نوع حفظ و حراست می نمایند مبادا خاطر مبارک حضرت حجة الاسلام را بشبهه بیندازند تا این دسته اشرا را زنده هستند هفتاد هزار نفر ملة کاشان آتی آشوده نیستند بلکه غالباً مهاجرت خواهند کرد داعیان هم اضطرا را مهاجرت خواهیم کرد مبادا کوش بمحرف مخالفین بدهند خدام شرع مقدس کاشان الاحقر حیب الله . خادم شرع سید محمد رضا . الاحقر حاج میرزا محمد . حاج میرزا ابو تراب . الاحقر سید حسن معروف بمحقق . الاحقر عبدالعی صدر العلماء . الاحقر جلال الدین . الاحقر شریعتمدار

(دستخط مبارک حضرت حجة الاسلام آقای آقا سید عبدالله)

(بنه تعالی)

مرقومه جنابان مستطابان آقایان عظام و فقهاء فحام دار المؤمنین کاشان ادام الله ایام افضالهم و کثر فی العالین امثالهم مضاع و متسع است و البته باید بتقاد مرقومات ایشان عمل شود حرورما جان عبدالله الموسوی البهبائی

ترجمه تلکرافات خارجه

بنابر تلکرافی که از رومیه بروسیه رسیده بواسطه عدم موافقت بین کمیونهای ایران و عثمانی کمیون سرحدی بهم خورده است

بنابر تلکرافی که بوزارت خارجه انگلیس رسیده حکومت هندوستان از وزارت مزبوره استفسار مینماید که آیا دولت چین در خصوص تحدید و تخفیف وارد کردن تریاک از ایران بعمانی و غیره چه اقدامات نموده دیگر آنکه دولت چین باید حدود قدرت و اختیارات حکومتهای ولایتی را در خصوص اخذ مالیات و عوارض متعلق بتریاک واردی معین نماید

تلکراف واسطه از لیزبوم مشعر است بر اینکه دارالشورای دولتی فرمائی را که سلطان مقتول درازدیاد سی و نه هزار لیره بمخوق سلطنتی صادر کرده بود نسخ نموده است و بملاوه مجلس کت را (مجلس ملی) در ۲۹ آوریل امر باقتساح نموده اند و انتخاب وکلا در روز پنجم آنگاه واقع خواهد شد

(حسن الحسینی الکاشانی)

و فغان تا صبح در آن کوجه بر پا بود معلوم است با این وضع بخانه مردم ریختن بزن و بچه بی تقصیر چه خواهد گذشت بیچاره میرزا حیب زبانش مدتی بند آمده و پس از گرفتن و بردن میرزا حسن از خوف و خشیت حالت سختی بمیرزا حیب دست می دهد که ذکرش لایق نیست حالت زن و بچه انخانه را از حالت مردشان باید قیاس کرد باعث بر این حرکت این بوده که چون میرزا حسن از بعضی صنایع سر رشته دارد شاید فارجکها بیکه قبل انداخته بودند از مصنوعات این شخص باشد پس از آنکه خانه اس را خوب زیر و رو کرده او را با بعضی اسباب چشنی سازی و غیره برداشته باز او می برند روز جمعه میرزا حسن را استنطاق کرده و تحقیقات لازمه بعمل می آورند معلوم می شود که خیال واهی و آن بیچاره بی تقصیر بوده مستخلصش می دارند نمیدانیم این حرکت از روی چه قانونی بوده و اسمش را چه باید گذاشت !! : بتقصیر احتمالی چرا باید با اینوضع ریخت بخانه مردم و مسلمانان بیچاره را باینگونه سدمات مبتلا ساخت فرضاً میرزا حسن مقصر واقعی و تقصیرش ثابت اولاً مخفی نبوده و همه روز در کوجه و بازار می کشت و کسی هم مانع گرفتنش تصور نمیشد که شب بخانه اش بریزند ثانیاً پدر بیچاره و اهل و عیالش چه تقصیر داشتند که اینگونه متزلزل و مضطرب الحال شوند و بکتک و پس کردنی گرفتار آیند ثالثاً گرفتن میرزا حسن شصت نفر مساج و تفنگدار لازم نداشت که باین شدت بریزند بخانه مردم و فریاد و فغان يك کوجه و تا صبح بر پا دارند اگر دارای مشروطه و قانون نیستیم متدین بدین اسلام که هستیم نمیدانیم این حرکت مطابق کدام قانون و آئین است در زمان استبداد هم بجز نقابا لاخان سردار که محض نیل بر تبه و یافتن لقب مرچند روز به بهانه نصف شب بانه مسلمانان میریخت و هزار گونه قیاح مرتکب میشد کسی اسم این گونه حرکات را که مایه نفرین و بد گوئیست خدمت بدولت و ملة نمیکدشت فقط این خدمت مختص آقابالا خان بود انهم در زمان استبداد دحالا دیگر چرا !!! خوبست قانون اساسی را از میان مردم جمع کرده یا لااقل اصل سیزدهمش را حک نمائیم که نوشته است (منزل و خانه هر کس در حفظ و امانست و در هیچ مکانی نمیتوان قهرا داخل شد مگر بترتیبی که قانون مقرر نموده) یا بنهیمیم که موافق ترتیب کدام قانون می شود محض خیال و عدم تحقیق مرتکب چنین حرکتی شد !!

مرقومه علماء کاشان

نوسط انجمن محرم کاشانیان حضور حضرت حجة الاسلام بهبهائی ملة کاشان بعد از چهل سال تحمل ظلم